

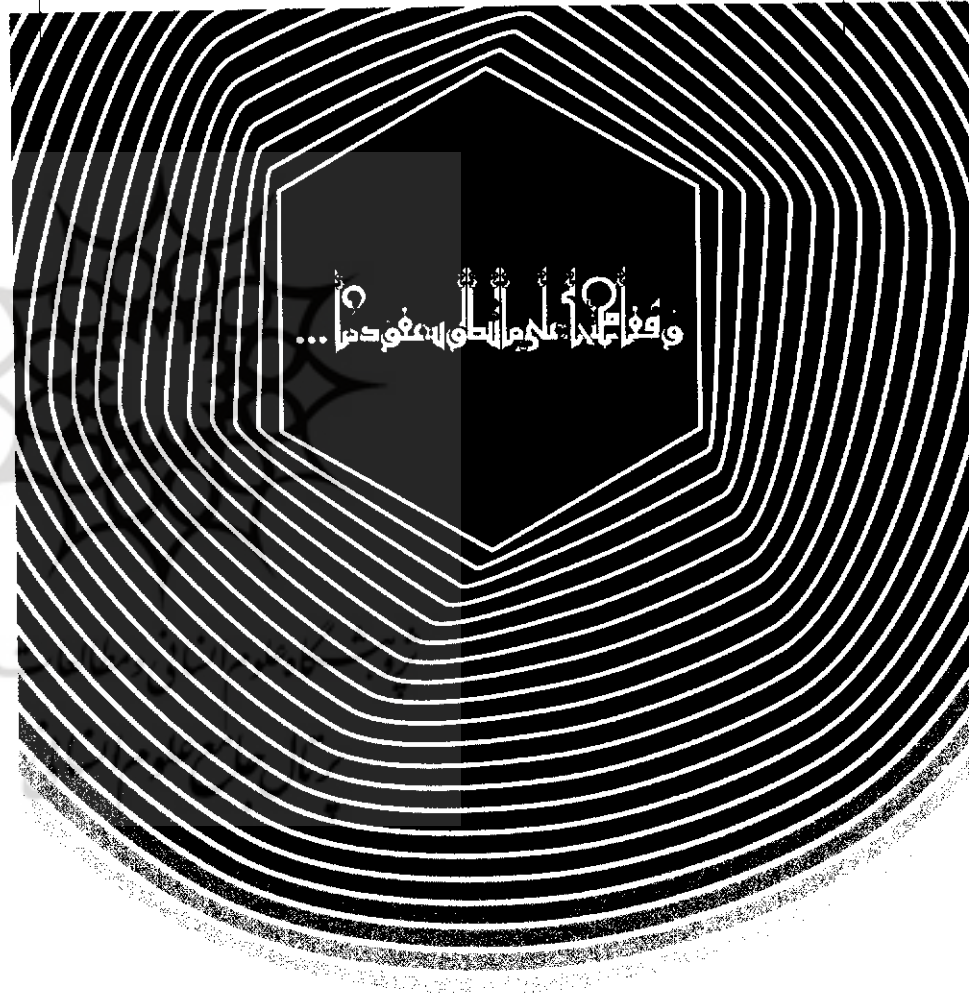
توسعه وقف و ماهیت حقوقی آن

دکتر احمد قلبی زاده

کلیات

وقف مظهر بارز صالحه باقیه است. سنت نیکویی است که در میان عقلا و صاحب نظران، در میان همه ملل و اقوام و در ادیان و مذاهب گوناگون همواره مورد علاقه مردم، قانونگذاران و مصلحان بوده است چرا که وقف نوعی ایثار است و ایثار از نظر پرورش شخصیت و روحیه انسانها اهمیت فراوانی دارد. سنت وقف ویژه کشورهای اسلامی و شرقی نیست در کشورهای غربی و حتی در نقاط دور افتاده جزایر استرالیا و آفریقا و در میان سرخ پوستان آمریکای جنوبی نیز این سنت وجود داشته و این اقوام برای معابدشان موقوفاتی را اختصاص می داده اند. چه بسیارند کسانی که نذر می کنند تا وقف انجام دهند و بابر آورده شدن حاجت اقدام به انجام آن می کنند یا وصیت می کنند که قسمتی از اموالشان وقف باشد. این امر مختص مسلمانان نیست. برای مثال می توان به وقفی که آلفرد نوبل دانشمند شیمی دان سوئدی کاشف دینامیت در قالب وصیت انجام داد و هنوز آثار آن ادامه دارد، اشاره کرد. نوبل در ۱۸۹۶ مبلغ ۹ میلیون دلار از دارایی خود را به صورت ذخیره ای غیر قابل انتقال در آورد و مقرر کرد که از سود حاصل از آن ذخیره، سالیانه جوایزی جهت پیشبرد فیزیک، شیمی، پزشکی، زیست شناسی، ادبیات و صلح جهانی داده شود که البته این امر به علم اقتصاد هم تسری داده شده است. او با این کار زمینه مناسبی را جهت تشویق دانشمندان و مصلحان به تلاش هر چه بیشتر ایجاد کرد. مسلماً در تلاش های بسیاری که امروزه در میان دانشمندان و صلحا برای ارتقای وضعیت علمی و حفظ صلح و آرامش جهانی صورت می گیرد، همواره می توان برای نوبل به خاطر کار خدا پسندانه ای که انجام داده است، سهمی را در نظر گرفت.

مقاله حاضر در صدد است تا نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را با توجه به ماهیت حقوقی آن مورد مطالعه قرار دهد. در این مورد به موضوعاتی نظیر سابقه موقوفات، وقف خاص، موضوعات وقف و وضعیت حقوقی وقف پرداخته خواهد شد و در نهایت از مطالعه انجام شده نتیجه گیری شده و پیشنهادهایی ارائه می شود.



سابقه موقوفات

از موقوفات عامه مواردی با سابقه طولانی اندک است و به ندرت قدمت موقوفات به بیش از سه سده می‌رسد. این امر حکایت از آن دارد که بر خلاف آنچه که واقفان در نظر دارند، عدم حمایت جامعه از موقوفات باعث خروج آن از حالت وقف می‌شود. نیاز مبرم به نظارت بر وقف و حمایت از موقوفات نکته مهمی است که در گسترش موقوفات باید به آن توجه شود. واقف اگر به این نتیجه برسد که وقف او چند سالی بیش به حالت وقف باقی نخواهد ماند و مورد دست‌اندازی و سوء استفاده سودجویان واقع خواهد شد، مسلماً ترجیح می‌دهد مالکیت آن را به دلخواه منتقل کند یا دخالتی نکند تا مالش بعد از فوت او علی‌ما فرض الله تقسیم شود. خوشبختانه در این باره اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ... سوء استفاده از موقوفات ... را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد ...».

سابقه قانونگذاری درباره وقف در ایران به دهه اول قرن حاضر برمی‌گردد. ولی قانون اوقاف که مهمترین قانون در این زمینه است، مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۳ است. در این مورد ماده ۵۵ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس، و منافع آن تسبیل شود». و این تعریف موافق تعاریفی است که فقه از وقف کرده است. حبس عین به معنی آن است که عین غیر قابل انتقال است و نمی‌توان آن را به دیگری انتقال داده یا آن را مورد عقود قرار داد که منجر به انتقال عین مال می‌شود. این حبس دائمی است و محدودیت زمانی ندارد و بنا بر این است که تا دنیا دنیاست وقف به صورت وقف باقی بماند و عین آن غیر قابل انتقال باشد. اینکه عین مال در آینده غیر قابل انتقال باشد از اراده واقف سرچشمه می‌گیرد و واقف با توسل به حقوق برای زمان آینده مخصوصاً زمان بعد از فوت خود و تا قیامت تعیین تکلیف می‌کند. موقوفه قرار است به همان حال باقی بماند و مورد استفاده موقوف‌علیهم قرار گیرد و منافع به ایشان پرداخته شود. اگر موضوع وقف مثل پولی باشد که آلفرد نوبل آن را سرمایه‌گذاری نموده است، آن سرمایه همواره باقی مانده و سود خواهد داد و سود مزبور جهت تشویق دانشمندان علوم یا کوشندگان در راه ایجاد صلح استفاده خواهد شد. اکنون بیش از یک صد سال از زمانی که نوبل این عمل حسنه را انجام داد، می‌گذرد ولی بعید نیست که این سپرده و آثار آن تا صدها سال و حتی هزاران سال دیگر باقی بماند و از آن استفاده شود. آن سپرده اندک در طی سال‌های گذشته مشوق تلاش‌های بسیار بزرگی بوده است. تلاش‌هایی که منجر به کشفیات مهم و تغییرات شگرف در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم شده است و این از فواید وقف است.

وقف خاص (وقف اولادی)

وقف همیشه وقف عام نیست بلکه در مواردی وقف خاص است یعنی موقوف‌علیهم همگان نیستند. برای مثال، وقف ممکن است بر اولاد شخص باشد. در این صورت در درجه اول فرزندان شخص و بعد فرزندان فرزندان و بعد فرزندان آنان از موقوفه استفاده می‌کنند و به همین ترتیب وقف به بقای خود ادامه می‌دهد. در موارد زیادی ترس از اینکه فرزندان نایاب با مالکیت بر مالی که حاصل زحمات مورثان است از مسیر عقل و اعتدال خارج شده و با زیاده‌روی موجبات بیچارگی خود را فراهم آورده‌اند، باعث می‌شود که مورث با علاج واقعه قبل از وقوع، راه انتقال عین مال را بسته و فقط راه انتفاع از منافع مال را باز بگذارد. این امر البته باعث می‌شود اعتدال در استفاده از مال رعایت شود و جلوی مشکلات اجتماعی برای فرزندان گرفته شود و بدین ترتیب از سوء عمل ایشان ضرری متوجه جامعه نشود. فرزندان نیز در پذیرش این امر مجبور نیستند و اگر کسی بخواهد اموال خود را برای اولاد خود وقف کند چون به حکم ماده ۵۶ قانون مدنی، وقف عقد است و عقد با دو اراده محقق می‌شود بنابراین، وقف بر خود را قبول نکرده‌اند آن وقف محقق نمی‌شود. مگر اینکه اولاد صغیر باشند و واقف اصالتاً از طرف خود و ولایتاً از طرف ایشان وقف را منعقد کند. حتی در وقف بر مصالح عامه هم قبول حاکم شرط تحقق وقف است و تا وقتی که حاکم وقف را قبول نکرده است، وقف محقق نمی‌شود. این موضوع می‌تواند به نوعی انواع وقف‌هایی را که در جامعه صورت می‌گیرد به سمت نیازهای اجتماعی و اقتصادی هدایت کند. یعنی حاکم با توجه به احاطه‌ای که بر نیازهای جامعه دارد اگر وقفی را به مصلحت نداند آن را نمی‌پذیرد.

موضوعات وقف

باید توجه داشت که ما نوعاً تصور می‌کنیم که وقف رادر مورد املاک بدانیم، غافل از اینکه به حکم ماده ۵۵ قانون مدنی ایران که برگرفته از شرع انور است، وقف در مورد هر نوع مالی ممکن است و به موجب ماده ۵۸ همان

اساس نامه مؤسسه فرهنگی اکو
سازمان همکاری‌های اقتصادی) و
اساس نامه بنیاد علمی آن، وقف را به
عنوان منبع تأمین مالی آن سازمان‌ها
معین کرده‌اند

۱. فیض، علیرضا، «مصلحت وقف و پارامی از شرط‌های آن»، مجله میراث جاویدان، ش ۸، ص ۱۰۴.
۲. سانک، محمد تقی، «سنخی درباره وقف و موقوفه شلامی»، مجله میراث جاویدان، ش ۲، ص ۴۱.
۳. Encyclopedia. Encarta 99.
۴. سانک، همان.
۵. به موجب قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، «سوء استفاده از موقوفات» عبارت است از «تحصیل ثروت ناشی از دخالت در وقف بر خلاف ترتیبی که شرع معین نموده باشد».
۶. فیض، علیرضا و مهذب، علی، ترجمه کتاب تسعة، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۸۰، یزدی، ابوالقاسم ابن احمد، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۴۳، موسوی همدانی، سید، محمد باقر، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۲۹۹.

قانون، هر مالی را که با بقای عین آن بتوان از منافعش استفاده کرد، می‌توان وقف کرد، اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیر منقول و مشاع باشد یا مفروز. پس می‌توان برای مثال اتومبیل، تلویزیون و یا وسایل خانه را هم وقف کرد. می‌توان کتاب را وقف کرد. اگر برای مثال کتابی را به کتابخانه‌ای هدیه بدهیم، آن کتابخانه می‌تواند آن کتاب را بفروشد، ولی اگر آن کتاب را وقف آن کتابخانه کنیم، کتابخانه مزبور مجاز به فروش آن نخواهد بود. می‌توان درختانی را در جایی وقف کرد. می‌توان کامپیوتری را به یک مرکز مطالعات وقف کرد و مطمئن بود که آن کامپیوتر غیر قابل انتقال به اغیار است و تا وقتی هست از آن استفاده خواهد شد. بنابراین اگر بخواهیم چیزی را که می‌دهیم بدون دخالت اراده سایرین بماند و از آن استفاده شود باید آن را وقف کنیم. بر خلاف ملک که استهلاک آن زیاد است و به رسیدگی مداوم نیاز دارد و استفاده از منافع آن در مواقعی که موقوف علیهم بسیار باشند، مشکلاتی را ایجاد می‌کند، می‌توان مواردی را وقف کرد که فاقد این مشکلات باشند. مثلاً شخصی مدرسه‌ای را می‌سازد و وقف می‌کند که این حسنه‌ای بزرگ است اما زمانی مالی را در بانک می‌گذارد و سود حاصل از آن را وقف تعمیرات لازم در مدرسه وقف شده یاد شده می‌کند، این وقف دوم در عین اینکه حسنه بزرگی است عملی هوشمندانه نیز هست. حتی در موارد خیلی مهم و روابط اقتصادی بین کشورها هم وقف مطرح است برای مثال، اساس نامه مؤسسه فرهنگی اکو (سازمان همکاری‌های اقتصادی) و اساس نامه بنیاد علمی آن، وقف را به عنوان منبع تأمین مالی آن سازمان‌ها معین کرده‌اند.

در هند مرسوم است که مردم گاوهای ماده سفیدی را به قصد تقرب به معبود خود در کوچه‌ها را می‌سازند تا فقرا از شیر آن گاوها استفاده کنند. بدون تردید این مورد را هم می‌توان از موارد وقف محسوب کرد. نذر و وقف بودن این گاوها باعث احترام مذهبی به آنها می‌شود که به غلط در میان مردم سایر ملل گاهی به گاوپرستی تعبیر می‌شود. ولی به راستی در کشوری مثل هند که یک سوم مردم آن در زیر خط فقر قرار دارند چه خدمتی زیاتر و موثرتر از این می‌توان به فقرا روا داشت. جالب اینکه آنانی هم که به این گاوها غذا می‌دهند در واقع قصد دارند در این اقدام خدایسندانه سهمی داشته باشند.

وقف همواره برای مقاصد مورد پسند اجتماعی است و به موجب ماده ۶۶ قانون مدنی، وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است. یعنی اینکه نمی‌توان وقف را وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف نامشروع اجتماعی کرد و اگر کسی چنین قصد کند، وقف انجام شده باطل است و اعتباری ندارد. وقف یکی از وسایل جهت دادن جامعه به سویی است که شخص واقف مایل به آن است. در واقع واقف با وقف کردن در جهت اهدافی که دارد زمینه انجام و ترغیب به انجام آن اهداف پسندیده را فراهم می‌آورد. افزایش تعداد موقوفات در یک جامعه بدون تردید حکایت از سطح بالای فرهنگ و تمدن در یک اجتماع است و کمبود چنین مواردی با فراهم بودن شرایط و رفاه نسبی مردم می‌تواند از نشانه‌های بی‌توجهی مردم به جامعه و خودخواهی عمومی تلقی گردد.

وضعیت حقوقی وقف

وقف یک بنای مستحکم را ایجاد می‌کند؛ چرا که یک عقد لازم است و بعد از انعقاد، اصل بر دوام آن است مگر اینکه فسخ یا اقاله (توافق طرفین) منجر به انحلال آن شود. از طرف دیگر، برای اینکه عین موقوفه با مال شخص در هم نیامیزد و وقف صوری و ظاهری نباشد، قبض، شرط صحت و وقف شمرده شده است. یعنی تا وقتی که عین موقوفه تحویل نشده باشد وقف محقق نمی‌شود. این موضوع در ماده ۶۱ قانون مدنی ذکر شده است که مقرر می‌دارد وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع نماید. در عین حال، جنبه خیریه وقف بسیار زیاد است؛ چرا که شخص در عقد وقف، مال خود را در اختیار دیگران می‌گذارد که از آن به طور مجانی استفاده کنند و به عبارت دیگر وقف یک عقد معوض نیست. به همین جهت است که وقف از عقود مبتنی بر احسان است. بودن نهادهایی که خدمات رایگان در جامعه ارائه می‌کنند مثلاً خدمات پزشکی، خدمات بهداشتی، خدمات آموزشی، خدمات پرورشی، خدمات علمی و نظایر آن همواره باعث بالا رفتن رفاه اجتماعی در جامعه می‌شود. به عبارتی وقف دوش به دوش صدقه است. اماکن بسیار زیادی نظیر مساجد و امام‌زاده‌ها وابسته به صدقات مردم، نذورات ایشان و موقوفات آنان است. تأسیس مهمی مانند آستان قدس رضوی که امروزه نقش آفرین مهمی در چرخه اجتماعی و اقتصادی استان خراسان است منشاء اقتصادی خود را از صدقات و نذورات و موقوفات دوستداران اهل بیت - علیهم السلام - گرفته است.

افزایش تعداد موقوفات در یک جامعه بدون تردید حکایت از سطح بالای فرهنگ و تمدن در یک اجتماع است و کمبود چنین مواردی با فراهم بودن شرایط و رفاه نسبی مردم می‌تواند از نشانه‌های

بی‌توجهی مردم به جامعه و خودخواهی عمومی تلقی گردد

نتیجه گیری

نگاهی به نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها با توجه به ماهیت حقوقی آن نشان می‌دهد که وقف از بهترین نهادهایی است که می‌تواند ضمن ارضای معنوی انسان در اعتلای اقتصادی و اجتماعی استفاده شود. خوشبختانه، قوانین و مقررات لازم جهت پشتیبانی از وقف وجود دارد و با توجه به وجود سازمان اوقاف و امور خیریه تا حد زیادی نگرانی از مورد سوء استفاده واقع شدن اوقاف برطرف شده است. در طول تاریخ، موقوفات مورد سوء استفاده سودجویان و در مواردی سوء استفاده حکومت‌ها بوده‌اند. و می‌توان گفت که در مجموع عدم نظارت مستمر و وجود آشوب‌های اجتماعی مخصوصاً در مقاطعی از تاریخ که حکومت از سلسله‌ای به سلسله دیگر منتقل می‌شده و عدم ثبت موقوفات از مهمترین عوامل خروج موقوفات از حالت وقف بوده است. البته، تردیدی نیست که بسیاری از اماکن یا در مواردی اشیایی که امروزه تحت عنوان اموال عمومی هستند ریشه در وقف دارند. در هر حال، با مردمی شدن حکومت و ثبات در آن و روندی که در جوامع امروزی از نظر تداوم سیستم حکومتی وجود دارد و سیستم‌های معتبر ثبت و مدرک‌سازی به نظر می‌رسد که موقوفات بسیار کمتر از گذشته در معرض سوء استفاده و تبدیل وضعیت هستند و طبیعاً این امر می‌تواند زمینه گسترش هر چه بیشتر وقف را فراهم آورد. البته، با توجه به دیدگاهی که این مطالعه آن را دنبال می‌کند آنچه موضوع مطالعه است وقف عام است. اگرچه به نظر می‌رسد استفاده از وقف خاص هم می‌تواند منشاء خیرات برای افراد و تبعاً جامعه شود. چرا که «من احیا نفساً فکأنما احیا الناس جمیعاً». دو طرفه بودن وقف و اینکه اوقف و موقوف علیه باید هر دو راضی باشند تا محقق شود، نیز در مورد وقف عام آن را از متروکه شدن و فاصله گرفتن از نیازهای اجتماعی و اقتصادی می‌رهاند و اجازه نمی‌دهد وقف به راهی برود که برای جامعه مفید نباشد. ضمن اینکه موضوع وقف هم محدوده وسیعی را در برمی‌گیرد زیرا هر مالی را که با استفاده از منفعت آن عیش باقی می‌ماند، می‌توان وقف کرد. و این امر مختص به ملک نیست. اگرچه جامعه ناخودآگاه وقف را در وقف ملک متبلور می‌بیند و این نه در ایران بلکه در کشورهای دیگر هم به نظر می‌رسد که چنین باشد. برای مثال، مکاتبه‌ای با دانشگاه‌های کشورهای مختلف غربی نشان می‌دهد که فراوانند مراکز تحقیقاتی یا بورس‌هایی که استادان قدیمی یا متمولین آن جوامع به صورت وقف به دانشگاه‌ها و نظایر آنها اختصاص داده‌اند. کاری که می‌توان گفت هنوز در ایران بجز چند مورد انگشت‌شمار مثل جایزه‌ای که محقق و دانشمند محترم آقای دکتر شهیدی برای معلمان نمونه در نظر گرفته‌اند یا کاشو شده‌ای که آقای دکتر زیرک‌زاده آن را پایه‌گذاری کرده‌اند، مصادیق چندانی ندارد. اگرچه در این مورد باید از کسانی که در زمینه ساختن و تجهیز مدارس در سالیان گذشته و مخصوصاً سالیان اخیر وقف‌هایی را انجام داده‌اند، یاد و تقدیر کرد.

پیشنهادها

با توجه به آنچه که در ضمن مطالعه فوق به آنها پرداخته شد به نظر می‌رسد که به حکم آیه کریمه «و لکن منکم امة یدعون الی الخیر» اکنون زمان آن است که در زمینه وقف تبلیغات لازم صورت گیرد و فرهنگ وقف نهادینه شود. باید حقوق وقف و نقش اجتماعی و اقتصادی آن برای مردم بازگو گردد تا کسانی که تمایل و استطاعت دارند به مصداق سار عوا الی الخیرات به این امر خیر روی آورند. در این مورد، طبیعی است صرف دعوت تنها مقدمه این امر است و دو مین اقدام یافتن مواردی است که از نظر متخصصین امر و دست‌اندرکاران امور اقتصادی و اجتماعی وقف و کمک مردمی در قالب وقف در آنها مورد نیاز است. به طور کلی با توجه به نیازهای جامعه باید موضوعات جدیدی که پایدارتر و مفیدتر باشد برای وقف یافت و در اختیار علاقه‌مندان به وقف قرار داد. وقف اگرچه معمولاً به قصد تقرب به خداست ولی برای تشویق مردم به انجام وقف و به حکم اینکه من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، باید ترتیبی داده شود که وقتی کسی مالی را وقف می‌کند نام و اوقف بر آن به صورت لوح یادبود و نظایر آن نصب شود و خود این امر ضمن اینکه تشکر از اوقف است، مشوق دیگران جهت وقف نیز هست. در بعضی از کشورها باغ‌هایی وجود دارد که در آن نام کسانی که هر یک از درختان را کاشته‌اند بر روی آنها با پلاکی حک شده است و صرف ملاحظه آن پلاک‌ها بازدیدکنندگان را تشویق می‌کند که آنها نیز به چنین امری مبادرت نمایند. ضمن اینکه چنین عملی در عین حال میزان و مقیاسی خواهد بود برای اینکه مردم ببینند که از وقف حمایت می‌شود. در وضعیت کنونی جلب اعتماد علاقه‌مندان به وقف از مهمترین مقدمات تشویق به وقف است.

برای اینکه عین موقوفه با مال شخص در هم نیامیزد و وقف صورتی و ظاهری نباشد، قبض، شرط صحت و وقف شمرده شده است. یعنی تا وقتی که عین موقوفه تحویل نشده باشد وقف محقق نمی‌شود